

وزیری که بیشترین اصلاحات را در عهد مغول انجام داد!

نگاهی به شخصیت رشیدالدین فضل‌الله همدانی

فرهاد پروانه

سرگروه تاریخ منطقه گواور

farhad.parvaneh@yahoo.com

چکیده

یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های تاریخ ایران در عهد مغول، رشیدالدین فضل‌الله همدانی است. او را از برجسته‌ترین دانشمندان، مورخان و سیاستمداران ایران در اواخر قرن هفتم می‌دانند. اقتدار وی از زمانی آغاز شد که غازان، ایلخان مغول، متوجه شایستگی وی شد و او را به وزارت خویش برگزید. با به وزارت برگزیده شدن این فرد فرهیخته که مرد سیاست، مدیریت، دین، فلسفه، طب، تاریخ، تألیف و انشا بود و به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، مغولی و عبری تسلط و آشنایی داشت، اقدامات بسیار ارزشمندی به‌منظور اعتلای فرهنگ و تمدن این سرزمین که در پی حملات مغول‌ها رو به افول نهاده بود، انجام گرفت. آنچه امروزه از سویی تاریخ‌نگاران «اصلاحات غازان‌خانی» نام گرفته است، به یاری دوراندیشی و باریک‌بینی این خواجه صورت پذیرفت. نیز با یاری و مشاورت وی بود که نظم نوینی در سپاه، در بهبود وضع مالی کشور، در تأمین امنیت قضایی، در ثبت حقوق مالک و زارع، در رونق اقتصاد، در آبادی اراضی و به‌طور کلی در اصلاح وضع عامه مردم به‌وجود آمد.

کلیدواژه‌ها: خواجه رشیدالدین، اصلاحات، مغول، غازان



خواجه رشیدالدین فضل‌الله، که در برخی از کتاب‌ها به او رشیدالحق و رشیدالدوله نیز گفته‌اند، در همدان دیده به جهان گشود. وی مؤلف جامع‌التواریخ و از تاریخ‌نگاران بزرگ ایران در سده هفتم است. کارل یان، رشیدالدین را نخستین تاریخ‌نویس جهان دانسته است، زیرا آثار وی منبعی مفصل برای بررسی تاریخ مغولان است. او در طول زندگی خود در رشته‌های مختلف، آثار بدیعی را در حوزه‌های تاریخ، معارف دینی (تفسیر)، علوم قرآنی، احکام و اندکی در طب و آیین مملکت‌داری به گنجینه هنر و دانش ایران تقدیم کرد. وی که در روزگار فرمانروایی غمبار ایلخانان مغول می‌زیست با نبوغ و مهارت خود در دانش پزشکی توانست به دربار سلطان مغول، اباق‌خان، راه یابد. هوشمندی‌اش سبب گردید تا در روزگار گیخاتو و ارغون نیز مورد ارج و احترام باشد بدان‌گونه که علاوه بر طبابت، رسیدگی به برخی امور دیوانی را نیز بر عهده گرفت.

خواجه رشیدالدین با وجود قدرت، نفوذ، ثروت و افتخاراتی که داشت از سعادت کامل برخوردار نبود. دشمنانش به او حسد می‌ورزیدند و با حربه دروغ و افترا همواره در صدد آسیب رساندن به او بودند، سرانجام نیز، در آغاز دوره ابوسعید بهادر (۷۱۷ ه.ق.)، سعایت بدخواهان، به‌ویژه خواجه علی‌شاه که همواره به خواجه حسادت می‌ورزید کارگر افتاد. در نتیجه سلطان ابوسعید خواجه رشید را از مقام صدارت خلع و او را متهم کرد که به همراه پسرش خواجه ابراهیم، الجایتو را با سم به قتل رسانده‌اند! کار به اینجا ختم نشد و سرانجام بدخواهی‌ها بر سلطان ابوسعید طوری تأثیر کرد که او نابخردانه حکم قتل این دانشمند فرزانه را صادر کرد. بدین ترتیب خواجه را که در آن عهد، ۷۳ سال داشت و مردی سالخورده بود، به طرز فجیعی در جمادی‌الاولی ۷۱۸ ه.ق در تبریز به قتل رساندند، اگرچه دانش و شخصیت او را نتوانستند بکشند. با کشته شدن خواجه، یادگار ارزشمند و ارزنده او بنای ربع رشیدی - نیز سرنوشتی جز نابودی نیافت.

نگاهی گذرا به تاریخ صدساله دوره ایلخانان

(۷۵۶-۶۵۶ ه.ق) نشان می‌دهد که از آغاز تشکیل دولت ایلخانان در ایران، یعنی از هلاکوخان تا زمان اقتدار این دوره یعنی غازان و سپس الجایتو و ابوسعید بهادر، این دیوان‌سالاران و اهل قلم بودند که به تثبیت حکومت آنان پرداختند. البته با پذیرش دین اسلام توسط غازان عنصر وزارت جایگاه خاصی یافت. در دوران سه ایلخان فوق‌نقش وزرا در امور مملکت بسیار مهم‌تر و کلیدی‌تر شد، به‌طوری که اقدامات آن‌ها موجب یک رشته اصلاحات وسیع و دامنه‌دار در امور کشور گردید که به گفته نخجوانی، نویسنده دستورالکاتب، این اصلاحات تا آغاز سلطنت جلایریان (۷۶۲ ه.ق) نیز تا حدودی باقی بوده است. (نخجوانی، ۱۹۷۱: ۳۵) این اصلاحات در زمان غازان و به یاری رشیدالدین فضل‌الله وزیر دوم ایلخان صورت گرفت. که در اینجا لازم است مختصری از آن بیان گردد.



خواجه رشید به‌عنوان مجری در صدد برآمد تا مالکیت

ارضی را تقویت نماید، سیستم مالیاتی را سر و سامان دهد. مالیات‌های غیرقانونی را لغو کند، مالیات‌های قانونی و موعده، آن را مشخص سازد و از خودسری متصدیان وصول مالیات و بیدادگری‌ها و رشوه‌خواری‌ها جلوگیری به عمل آورد

اصلاحات اقتصادی و تجدیدنظر در سازمان اداری

اصلاحات اقتصادی غازان با هدف تبدیل اقتصاد چادرنشینی به اقتصاد شهرنشینی صورت گرفت. بنابراین خواجه رشید به‌عنوان مجری در صدد برآمد تا مالکیت ارضی را تقویت نماید، سیستم مالیاتی را سر و سامان دهد، مالیات‌های غیرقانونی را لغو کند، مالیات‌های قانونی و موعده آن را مشخص سازد و از خودسری متصدیان وصول مالیات و بیدادگری‌ها و رشوه‌خواری‌ها جلوگیری به عمل آورد. وی در مکتوبی به فرزندش شهاب‌الدین سفارش نمود که «عاملان را در معنا، میخ‌های مملکت گرفته‌اند و نشاید که میخ‌ها ضعیف باشد. تا خیمه مملکت و سایه‌بان حشمت حکام را استحکامی باشد و عامل سیر باشد، از مال رعیت دست

کوتاه دارد و به هر چیز حقیری طمع نکند»
(رشیدالدین فضل‌الله، ۱۹۴۵: ۲۲)

اهم اصلاحات غازان و خواجه رشید به شرح زیر بود:

سر و سامان دادن به وضع مالیات کشور: غازان دستور داد تا بیش از دو سال از رعیت مالیات نگیرند و به هر ولایتی یک مأمور به نام مستوفی فرستاد تا املاک و آبادی‌های آن ناحیه را ممیزی نماید (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۱۲۸) و برای جلوگیری از غرض‌ورزی در دریافت مالیات فرمان داد که مالیات غلات را در دو نوبت معین، یعنی از اول تا ۲۲ فروردین یا از اول تا ۲۰ مهر، با یک نوبت دریافت دارند. حتی در مورد مناطق گرمسیر و سردسیر دستورات خاصی داد.

غازان مواجب مأموران مالیاتی را دقیقاً مشخص کرد و برای سال مالی تقویم تازه‌ای از روی سال خورشیدی تدوین نمود که به‌عنوان تقویم غازانی تا پایان سلطنت ایلخانان اعتبار داشت. به فرمان غازان در هر دهکده، لوحی فلزی یا سنگی نصب گردید که روی آن میزان مالیات قید شده بود. در دهکده‌های مسلمان‌نشین این لوح بر دیوار مساجد و در دهکده‌های مسیحی و یهودی‌نشین بر دیوار کلیساها و کنیسه‌ها نصب می‌شد. (همان: ۲۶۴).

مبارزه با رباخواری: با تشویق خواجه رشید، غازان فرمانی را صادر و رباخواری و منفعت دادن پول را اکیداً ممنوع کرد.

اصلاح ضرب‌خانه: چون عیار سکه‌ها در تمام شهرها یکسان نبود به امر ایلخان همه سکه‌ها در سراسر کشور یکنواخت گردید و بر روی سکه‌ها نام ولایتی که سکه‌ها در آن ضرب شده بود، نام سلطان، آیات قرآن و اسامی دوازده امام (ع) زده شد. همچنین به‌منظور آسان نمودن تجارت، اوزان و مقیاسات سراسر کشور با اوزان تبریز یکسان و فرمانی صادر شد که در تمامی کشور وزنه‌ها را از آهن بسازند و مهری بر روی آن ضرب کنند تا تقلبی روی ندهد.

در زمینه قضایی، با حمایت و پشتیبانی خواجه رشید، غازان به اصلاحات قضایی گسترده‌ای دست زد. برای جلوگیری از جعل اسناد فرمان داد که از هر سند رونوشتی

تهیه کرده در محلی نگاهداری کنند. مجازات صدور اسناد جعلی حتی برای باساقان مرگ بود. علاوه بر این دفتر ثبت و اسناد و املاک در سراسر کشور ایجاد شد که در این دفاتر، املاک شخصی و املاک موقوفه ثبت شده بود (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۹۴۵، ج ۲: ۱۵۴۰)

در زمینه نظامی نیز اصلاحاتی صورت گرفت. در میزان و نحوه پرداخت مواجب سپاه نظم تازه‌ای ایجاد شد. خواجه همچنین شیوه تحویل اسلحه به لشکریان را تغییر داد و از تماس مستقیم سپاه با مردم جلوگیری نمود.

ساماندهی امور کشاورزی، دامداری و صنعت

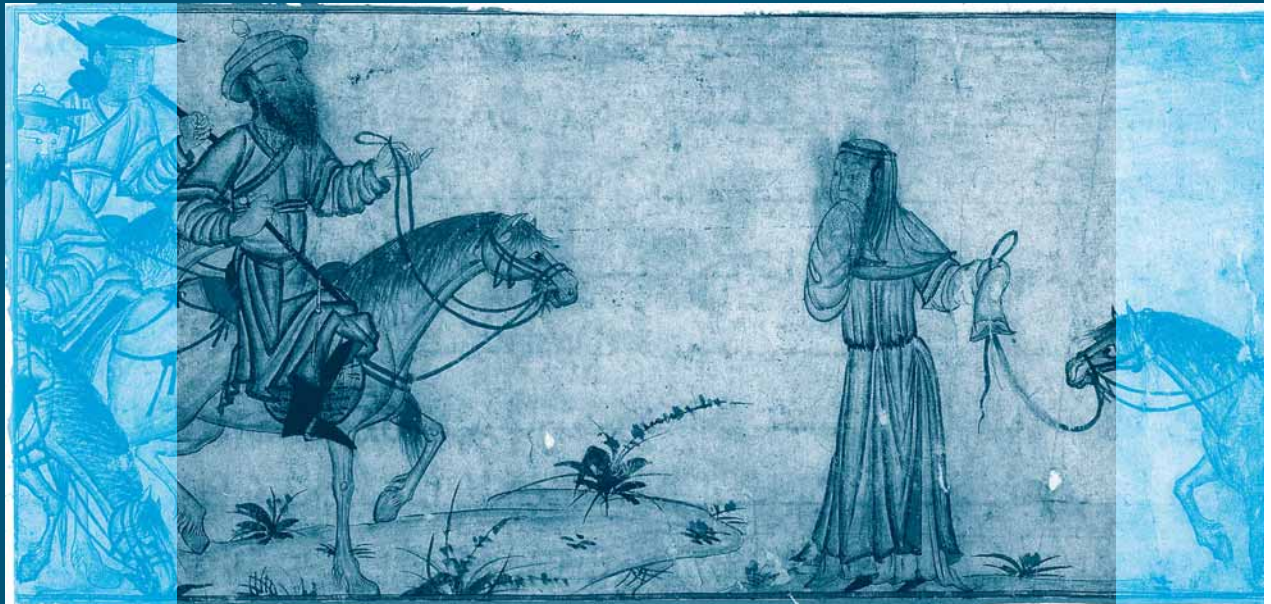
با تشویق خواجه رشید دولت به سنت‌های کهن کشاورزی به‌عنوان پایه سعادت مملکت روی آورد (لمبتون، بی تا: ۱۹۵) و برای بهبود وضع کشاورزان و بازگشت زارعان به روستاهایشان، بهره مالکانه تعدیل گردید و عوارض و مالیات‌های مکرر حذف شد و اراضی و مزارع دیوانی نیز به افراد واگذار شد. رشیدالدین عوامل تولید، مانند بذر و چارپار برای زراعت و وسایل کشت را بین زارعان تقسیم نمود و اقدامات دامداری برای احیای شبکه‌های آبیاری انجام داد. نیز به تشویق او غازان به هر شهر و ولایت عمارتی ایجاد کرد که انهار و کهریزها (کاریز) جاری نمود. (همان)

وی از جمله در حله نهری بزرگ به نام نهر غازانی ایجاد نمود و در آن آب را به مشهد مقدس امیرالمؤمنین (ع)، امام حسین (ع) و تمامت صحرائی دشت کربلا روانه گردانید و به‌منظور مشروب ساختن نواحی خشک در حدود مقبره حضرت ابوالفضل (ع)، نیز دستور جاری ساختن نهر دیگری از فرات را داد که به نهر غازانی سفلی معروف شد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۹۴۵، ج ۲: ۹۹۴-۹۹۲) ایجاد این نهرها موجب رونق کشاورزی در این مناطق گردید.

خود خواجه رشید در نامه‌ای به فرزندش، که حاکم روم [آسیای صغیر] بود، امر کرد نهری از شط فرات در ناحیه ملاطیه احداث کند و اراضی اطراف آن را مزروع و مسکون سازد. در این مکتوب از فرزندش خواست،

روش خواجه رشید در آباد کردن

سرزمین‌هابدین صورت بود که پس از سرمایه‌گذاری و تأمین مخارج و هزینه‌های رعایا و دهقانان، در هنگام بازدهی زمین‌ها و باغ‌ها، آنان را در مقداری از محصول و منفعت آن شریک می‌کرد



منفعت آن شریک می‌کرد. در یک مورد، او پنج قطعه زمین در ولایت دستباد از مالکان خرید. آنگاه سفارش کرد که پنج هزار نخل خرماي خوب از ولایت هویزه به آنجا حمل کنند و ده نفر دهقان کاردان برای کاشت و آبیاری درختان میوه و نخل‌ها از هویزه به آنجا فراخواند و برای آن‌ها محلی در حوالی زمین‌ها ساخت، تا در آنجا سکونت گزینند و دستمزد آن‌ها پیش از محصول دادن درختان و پس از آن را معین کرد.

به تشویق او غازان فرمود «تا از همه ممالک انواع درختان میوه‌دار و ریاحین و حبوبات که در تبریز نبود... نهال و شاخ آن پیوند کردند و بذور آن بیاوردند» همچنین به ولایات بعید، از هندوختای و غیره، ایلچیان فرستاد تا تخم چیزهایی را که مخصوص به آن ولایت است بیاورند. (همان: ۲۰۷)

در زمینه دآمداری و پرورش طیور نیز خواجه رشید سرمایه‌گذاری کرد. وی تنها برای ربع رشیدی، هزاران دام و صدها هزار طیور (مرغ، اردک، غاز و...) و هزاران درازگوش و غیره وقف کرده بود.

در زمینه صنعت، خواجه رشید تعدادی کارگاه در تبریز احداث کرد و صنعتگران از نواحی گوناگون استخدام نمود، تا در این کارخانه به کار اشتغال ورزند. وی در نامه‌ای که برای یکی از فرزندان خود موسوم به سعدالدین، حاکم

به جهت بندگی غازان، بر آن نهر ده قریه بنیاد فرماید و رعایا از اطراف بلدان... جمع کند و همه را تخم و عوامل و ثقاری (پطروشفسکی، بی‌تا: ۱۴۸) و موکله بدهد تا از سر فراغ بال و رفاهیت اموال و... به زراعت و عمارت مشغول گردند. (همان: ۲۲۲)

خواجه در نامه دیگری که به خدمتگزاران خود در دیار بکر نوشته می‌نویسد که معتمد خویش رکن‌الدین مسعود را به آن ناحیه می‌فرستد تا برای او در حدود موصل نهر و قریه احداث کند. رشیدالدین به منظور احیای کشاورزی این منطقه مبالغه‌ناگفتی (حدود ۷۰ تومن یا ۷۰۰۰۰۰ دینار) برای ترمیم کارون صرف نمود. علاوه بر این سراج‌الدین دزفولی را به خوزستان فرستاد و امر داد تا ولایت هویزه را آباد سازد و کردها و اعراب و لرها را در آنجا اسکان دهد و همچنین اعلام کند که هر کس در آنجا درخت خرما و مشجرات دیگر بنشانند از تخفیف مالیاتی بهره‌مند خواهد شد. (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۹۴۵: ۲۴۶ و ۲۴۷)

روش خواجه رشید در آباد کردن سرزمین‌ها بدین صورت بود که پس از سرمایه‌گذاری و تأمین مخارج و هزینه‌های رعایا و دهقانان، در هنگام بازدهی زمین‌ها و باغ‌ها، آنان را در مقداری از محصول و

قنسرین و عواصم، نوشت از او خواست که پنجاه صنعتگر صوف باف از انطاکیه وسوس و طرسوس و بیست نفر صوف باف از قبرس، به لطف و مواسات و نه زور و زجر، به دارالسلطنه تبریز اعزام کند.

همچنین مقدار دویست و پنجاه تومان غازانی به تجار سپرده بود تا با آن تجارت کنند و اسامی آن تجار را نیز در دفتری ثبت کرده بود. (همان: ۳۵۴، ۳۵۲، ۲۸۸، ۲۵۳)

زنده کردن سیستم اقطاع

در این زمینه خواجه رشید، غازان را تشویق به زنده کردن اقطاع برای نظامیان نمود. اراضی اقطاع، اکثراً در نقاطی قرار داشتند که قرارگاه سپاه یا مسیر حرکت لشکر بود. رشیدالدین در شرح «اقطاع به لشکر مغول» می‌نویسد که غازان اندیشید: مصلحت در آن است که در ممالک و ولایاتی که بر راه گذر لشکر یا بیلاق و قشلاق ایشان افتاده و دائماً در آن ولایت بی‌راهی می‌کنند و به تغلب دیده‌ها رعایا به دست خرو می‌گیرند، تمامت به اقطاع به لشکر دهیم.»

امنیت راه‌ها

از دیگر اقدامات غازان که به همت خواجه رشید صورت گرفت، امن کردن راه‌ها و جلوگیری از حق اقامت لشکریان و مأموران مالیاتی در خانه رعایا بود که همواره با زیاده‌روی‌ها و سوءرفتار مغولان همراه بود. غازان به منظور توسعه تجارت، دسته‌های راهزنان و غارتگران را که موجب ناامنی می‌شدند نابود کرد و برای امنیت راه‌ها از راهداران امین استفاده نمود؛ بدین صورت که از هر چارپایی مقداری معین، حق راهداری می‌گرفت و در عوض امنیت جان و مال او را تضمین می‌کرد.

ایجاد سازمان پست

به فرمان غازان در هر سه فرسنگ فاصله، جهت ابلجیان یا فرستادگان ابلخان، بامخانه یا چاپارخانه‌ای ایجاد شد و در هر بامخانه پانزده اسب قربه نگهداری می‌شد. بامجیان وظیفه داشتند تا نامه‌ها را از یک بامخانه به بامخانه بعدی برسانند و به همین ترتیب عمل

از دیگر اقدامات غازان که به همت خواجه رشید صورت گرفت،

امن کردن راه‌ها و جلوگیری از حق اقامت لشکریان و مأمورین مالیاتی در خانه رعایا بود که همواره با زیاده‌روی‌ها و سوءرفتار مغولان همراه بود

شود تا نامه‌ها به مقصد برسند. بامجیان روزانه ۶ فرسنگ راه می‌رفتند. برای مثال فاصله بین خراسان و تبریز را طی ۳ الی ۴ روز طی می‌کردند. (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۶۷)

تجدیدنظر در سازمان علمی و آموزشی

بزرگ‌ترین بنیاد علمی و آموزشی در زمان غازان توسط خواجه رشیدالدین در تبریز تأسیس شد. این بنیاد علمی و آموزشی، ربع رشیدی نام داشت. ربع رشیدی تأسیسات زیادی داشت که عبارت بودند از:

روضه

روضه شامل دو مسجد بود. یکی مسجد صیفی (تابستانی) که نماز عیدین و نماز جمعه و نیز جلسات درس‌های علوم، در تابستان، در آن برگزار می‌شد؛ دیگری مسجد شتوی (زمستانی) که در زمستان در آن نماز، درس‌های علوم و تفسیر و حدیث برگزار می‌شد.

خانقاه

خانقاه محل سکونت شیخ‌ها و صوفی‌ها بود و دارای امکاناتی چون محل سماع، صرف غذا و... بود.

دارالضیافه

برای پذیرایی از کارکنان ربع رشیدی و نیز مسافران و مهمانان محلی به نام دارالضیافه (خانه مهمان) ایجاد شده بود. دارالضیافه دارای دو ساختمان دو طبقه بود که یک ساختمان برای ساکنان ربع رشیدی و ساختمان دیگر برای مسافران در نظر گرفته شده بود. مسافران دارالضیافه سه دسته بودند: ۱. مهمانان و مسافران عالی‌رتبه که در سرای شاهنشاهی اسکان می‌یافتند. ۲. مسافران معمولی که مدت اقامت آنان حداکثر سه روز بود. ۳. مسافران فقیر و درراه‌مانده. محل اسکان این‌گونه مسافران جدا و مدت اقامت آن‌ها حداکثر سه روز بود.

دارالضیافه از عموم مردم تبریز و ساکنان ربع رشیدی پذیرایی می‌کرد. در وقف‌نامه ربع رشیدی تمام شب‌های ماه رمضان به هنگام افطار، عیدین، میلاد پیامبر (ص) و... از اجناس و مواد خوراکی که مورد مصرف ربع رشیدی بود ذکر شده است. (امیدیانی، سال هفتم: ۵۴) دارالشفای

داشت تا از کتب موجود کتابخانه آگاه شوند. شیوه استفاده از کتابخانه به این صورت بود که دانشجویان و مدرسان باید کتب مورد نیاز خود را در «قرائت‌خانه» مطالعه می‌کردند. کسی که می‌خواست کتابی را از کتابخانه بیرون آورد باید مبلغی معادل قیمت آن کتاب به ودیعه می‌گذاشت. مدت امانت کتاب حداکثر یک ماه بود و پس از آن باید کتاب را به کتابخانه باز می‌گرداندند. افراد مختلف خارج از ربع رشیدی و حتی تبریز نیز می‌توانستند، منوط بر این که کتاب را از تبریز و حومه آن خارج نکنند، از کتابخانه استفاده نمایند. (همان: ۱۹۷ و ۱۹۸)

منابع

۱. آشتیانی، اقبال، عباس؛ تاریخ مغول، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۷.
۲. آیتنی، عبدالمحمد؛ تحریر تاریخ و صاف، تهران: انتشارات مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۳. ایشبولر، برتولد، تاریخ مغول، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۴. امیدبانی، سیدحسن؛ ربع رشیدی، مجتمع بزرگ وقفی، علمی و آموزشی در تبریز، فصل‌نامه وقف میراث جاویدان، تهران: انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه، شماره ۳، سال هفتم.
۵. بروشکی، محمد مهدی؛ بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، مشهد: استان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۶. بطروشفسکی، ایلیا؛ کشاورزی و مناسبات اراضی ایران در دوره مغول، ترجمه کریم کشاورز، جلد اول، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات، بی‌تا.
۷. خواندمیر، غیاث‌الدین؛ حبیب‌السیر، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، جلد سوم، تهران: انتشارات خیام، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۸. خواندمیر؛ دستورالوزراء، با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران: انتشارات کتابفروشی اقبال، چاپ دوم.
۹. رشیدالدین فضل‌الله همدانی؛ تاریخ مبارک غازانی، به اهتمام کال بان، اصفهان: انتشارات نشر پرشس، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۱۰. رشیدالدین فضل‌الله همدانی؛ سوانح الافکار، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، بی‌تا.
۱۱. رشیدالدین فضل‌الله؛ جامع‌التواریخ، به کوشش دکتر بهمن کریمی، جلد دوم، تهران: انتشارات اقبال، چاپ سوم، ۱۳۶۷.
۱۲. رشیدالدین فضل‌الله؛ مکاتبات رشیدی، گردآوری محمد ابرقو، به اهتمام محمد شیخ، لاهور، انتشارات پنجاب، ۱۹۴۵.
۱۳. رشیدالدین، فضل‌الله؛ وقف‌نامه ربع رشیدی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، چاپ اول، ۱۳۵۱.
۱۴. کاشانی، ابوالقاسم، عبدالله؛ تاریخ التجابتو، به اهتمام مهین همیلی، تهران: انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۴۸.
۱۵. لمبتسون، آن، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، بی‌تا.
۱۶. مرتضوی، منوچهر؛ مسائل عصر ایلخانان، تبریز: انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
۱۷. منتخب‌الدین منشی یزدی، ناصرالدین؛ دره‌الآخبار و لمعه‌الانوار، بی‌جا، بی‌تا.
۱۸. منشی کرمانی؛ نسائم الاسرار من لطائف الاخبار (در تاریخ وزراء)، به تصحیح و تعلیق و مقدمه جلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران: انتشارات اطلاعات، بی‌تا.
۱۹. میرخواند، میرمحمدین سیر برهان‌الدین خاوندشاه؛ تاریخ روضه الصفا، به کوشش عباس زریاب‌خویی، تهران: انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۲۰. مینوی، مجتبی؛ خواجه رشیدالدین فضل‌الله، در مجموعه نقد حال (نوشته‌ها و گفتار مینوی)، تهران: انتشارات خوارزمی، بی‌تا.
۲۱. نجوانی، هندوشاه‌بن سنجر عبدالله صاحبی؛ دستور الکاتب فی التعیین المراتب، به سعی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی‌زاده، مسکو: انتشارات دانش، شعبه ادبیات خاور، ۱۹۷۱.

دارالشفای شامل یک واحد مجزا بود که در آن پزشکان به درمان بیماران و تعلیم علم طب مشغول بودند. این پزشکان دو دسته تمام‌وقت و نیمه‌وقت، بودند. پزشکان تمام‌وقت شامل یک پزشک، یک پزشک‌یار امراض عمومی، یک نفر کَحَال (چشم‌پزشک) و چند مجتَبِر (جراح و شکسته‌بند) بودند. پزشکان صبح‌ها به تدریس و بعد از ظهرها، به غیر از دوشنبه و پنجشنبه، به مداوای کارکنان ربع رشیدی می‌پرداختند. این پزشکان همچنین به‌طور تمام‌وقت در خدمت ساکنان ربع رشیدی بودند و حق کار کردن در بیرون ربع رشیدی را نداشتند.

در کنار این پزشکان، یک نفر پزشک‌یار (مُعید) قرار داشت که در امر تدریس و مداوا به پزشک کمک می‌کرد. آن‌ها در بهترین محلات شهرستان رشیدی یعنی صالحیه زندگی می‌کردند. پزشکان نیمه‌وقت نیز بودند که از کشورهای بیگانه به تبریز می‌آمدند. اتاق مخصوص نداشتند و محل سکونت آن‌ها در کوجه معالجان بود.

بیمارستان ربع رشیدی دارای دو قسمت بود که در یک قسمت بیماران معمولی و در قسمت دیگر آن بیمارانی که امراض واگیردار داشتند بستری می‌شدند.

داروخانه نیز در نزدیکی دارالشفای بود. در وقف‌نامه ربع رشیدی به صدها خمره بزرگ دارو که در محل داروخانه ربع رشیدی قرار داشته اشاره شده است. در هر یک از خمره‌ها، داروهای گوناگون برای مصارف چند سال ذخیره شده بود. بر روی هر یک از خمره‌ها با برچسب نام داروها نوشته شده بود.

دارالمساکین

دارالمساکین در داخل ربع رشیدی نبود، بلکه متصل به آن بود. در این محل روزانه به صد نفر از فقرا و مساکین تبریز یک وعده غذا می‌دادند و از فقرا و مساکین هم پذیرایی می‌کردند. (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۱: ۱۴۵-۱۴۳)

کتابخانه ربع رشیدی

این کتابخانه در دو طرف گنبد بزرگ احداث شده بود و صدها جلد قرآن بسیار نفیس در آن نگهداری می‌شد. کتاب‌های موجود در کتابخانه فهرست‌برداری شده بود، کتبی که وارد کتابخانه می‌شد توسط متولی مهر می‌شد و فهرست کتاب‌ها نیز در اختیار مراجعان قرار